

ژئوپلیتیک شیعه

و قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه

زهرا پیشگاهی فرد / استاد دانشگاه تهران

شهریار نصرتی / دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

شهناز بازدار / دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

هر کشوری بر اساس برخورداری از سطوح قدرت، به گسترش حوزه نفوذ و افزایش نقش در منطقه یا مناطق پیرامون خود علاقه دارد.

یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیک حسّاس پیرامون ایران، شرق مدیترانه است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحوّل در ساختار ژئوپلیتیکی خاورمیانه، ایران نقش محوری در گستره جغرافیایی شیعیان یافت و سرزمین‌های شیعه‌نشین شرق مدیترانه از اهمیت استراتژیک برخوردار گردید که همین می‌تواند در زمینه قلمروخواهی و گسترش علایق منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش کند.

در این پژوهش، که از نوع «توصیفی - تحلیلی» است سعی شده با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به اهمیت حوزه شرق مدیترانه در محدوده ژئوپلیتیک شیعه، تدوین یک الگوی راهبردی به منظور ترسیم یک قلمرو فضایی خارج از مرزهای جغرافیایی ایران، چه مؤلفه‌ها و الزاماتی دارد؟

نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که ایران با بهره‌مندی از موقعیت کانونی در محدوده ژئوپلیتیکی شیعه و نقش مؤثر در تحولات منطقه، سعی در گسترش حوزه نفوذ و قلمروخواهی در شرق مدیترانه دارد و این نقطه از خاورمیانه به لحاظ حضور جمعیت قابل توجهی از شیعیان، که در همجواری با رژیم صهیونیستی واقع شده، بستر لازم برای حضور و قلمروسازی ایران را دارا بوده و در راهبرد منطقه‌ای ایران از جایگاه مهمی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، شیعه، قلمروخواهی، نفوذ، ایران، مدیترانه.

مقدمه و طرح مسئله

جمهوری اسلامی ایران نظامی است با اهداف و رسالت جهانی و دارای پیام برای تمامی بشریت. بنابراین، قلمروخواهی و تلاش برای گسترش نفوذ خود در منطقه و جهان، جزو ذات و ماهیت این انقلاب است و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که این انقلاب و نظام صرفاً به دنبال ایجاد نظامی در محدوده مرزهای ملی بوده است. انقلاب اسلامی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، قری که از آن به «عصر پایان ایدئولوژی‌ها» و «پایان تاریخ» تعبیر می‌شد، بسان موجی خروشان بر اندیشه‌ها و نظریه‌های مادی‌گرایانه غربی و شرقی فرود آمد و طرحی نو درافکند. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳) انقلاب اسلامی یک ایدئولوژی و اندیشه سیاسی جدید وارد نظام بین‌الملل کرد و به یک منبع الهام‌بخشی برای ملت‌ها تبدیل شد. (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۸۱)

ایران در کانون جغرافیایی شیعیان قرار گرفته است و به طور طبیعی، می‌تواند این قلمرو فضایی مشخص را نمایندگی کند و در موقعیت رهبری قرار گیرد. همین ضرورت حساسیت ایران نسبت به سرنوشت شیعیان سایر کشورها را توجیه می‌کند. انقلاب اسلامی به عنوان مهم‌ترین اتفاق در تاریخ سده‌های اخیر تشیع، در کانون این قلمرو جغرافیایی رخ داد و طبیعی است پیامدهایی در فضاهای پیرامونی داشته باشد. بدین روی، بیشترین تأثیرگذاری انقلاب اسلامی میان جمعیت‌های شیعی رخ داد که مکمل‌های فضایی ایران محسوب می‌شوند و در حوزه نفوذ آن قرار داشتند. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳)

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، با توجه به ماهیت اسلامی آن، که تحقق امت واحد بر مبنای شعائر مذهبی و تقارب ایدئولوژیک فراتر از مرزهای سیاسی و فیزیکی در قالب هویت‌سازی جدید با درون‌مایه فرهنگ تشیع از اهداف آن در صحنه سیاست خارجی بوده است، بر توسعه حوزه نفوذ و گسترش علایق منطقه‌ای در مناطقی از جهان سعی داشته که زمینه‌های این همگرایی در آن مناطق وجود داشته است. (نصرتی، ۱۳۹۱، ص ۲)

پیرو چنین سیاستی، منطقاً بیشترین نگاه جمهوری اسلامی ایران باید به سمت ماورای مرزهای غربی خود و مناطقی از خاورمیانه، یعنی شرق مدیترانه معطوف گردد که شمار زیادی از شیعیان را در خود جای داده است؛ سرزمین‌هایی که با داشتن درصد بالایی از جمعیت شیعه، به لحاظ کمی و نیز از حیث جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیک در منطقه از جایگاهی ممتاز برخوردارند.

چنین موقعیتی ایران را در صورت بهره‌بری مناسب از آن، در نیل به اهداف راهبردی و ارتقای قدرت منطقه‌ای آن یاری می‌دهد.

این پژوهش با هدف بررسی زمینه‌های قلمروخواهی ایران در حوزه شرق مدیترانه، بر پایه عامل مذهب، ضمن تبیین جایگاه ایران در جغرافیای مذهبی شیعیان، به شناسایی و ارزیابی ابزارها و مؤلفه‌های تأثیرگذار ایران بر منطقه شرق مدیترانه به منظور ارتقای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی و گسترش حوزه نفوذ آن و رفع تهدیدات منطقه‌ای از طریق ترسیم یک قلمرو نوین مبتنی بر تقارب ایدئولوژیک می‌پردازد.

ضرورت پژوهش

شرق مدیترانه یکی از نقاط راهبردی خاورمیانه به شمار می‌آید که سال‌هاست نگاه‌های قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را به خود جلب کرده است. این حوزه پل ارتباطی میان آسیا، آفریقا و اروپاست که با داشتن شمار قابل ملاحظه‌ای از جمعیت شیعه مذهب در ترکیب جمعیتی سرزمین‌های این حوزه، به عنوان منطقه پیرامونی هارتلند شیعه ایران و از حیث موقعیت ویژه ژئوپلیتیک و حضور رژیم اسرائیل، در اهداف بلندمدت راهبردی ایران از جایگاه خاصی برخوردار است. تحولات این منطقه، که عمدتاً معلول عامل مذهب است، دارای تأثیرهای عمیق در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی در این حوزه است که لزوم گسترش حوزه نفوذ ایران و ایجاد قلمروهای ایدئولوژیک بر اساس علایق ژئوپلیتیک را ضروری می‌سازد. از این رو، واکاوی نقش مذهب در قلمروخواهی ایران و ایجاد قلمروهای تحت نفوذ در حوزه شرق مدیترانه، از طریق ابزارها و مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی از ضروریات تحقیق حاضر است.

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد بهره‌گیری ایران از موقعیت راهبردی در حوزه ژئوپلیتیکی شیعه، به قلمروسازی در شرق مدیترانه به عنوان یک مکمل ژئوپلیتیکی می‌انجامد.

روش و مراحل تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی محسوب می‌گردد که در جهت تحلیل قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه بر اساس مؤلفه‌ی مذهب با تکیه بر روش کتاب‌خانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از طریق کتب و مقالات و منابع اسنادی داخلی و خارجی در خصوص دست‌یابی به سوابق مطالعات صورت گرفته درباره‌ی محدوده‌ی موضوع مطالعه و ادبیات تحقیق انجام پذیرفته و در نهایت، با استدلال مبتنی بر براهین منطقی و مستخرج از یافته‌های پژوهش، استنتاج لازم در جهت هدف پژوهش صورت گرفته و تحقیق سازمان یافته است.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

ژئوپلیتیک (Geopolitics)

ارائه‌ی تعریفی دقیق از این واژه کار آسانی نیست. با اینکه از زمان وضع این واژه توسط ردلف کی‌الن (Redelfki Elen) بیش از صد سال می‌گذرد، ولی بر سر تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد. (Glassner, 1993) در اینجا، به چند نمونه از تعاریف ارائه شده اشاره می‌گردد:

فرهنگ آکسفورد تعریف ذیل را ارائه می‌دهد: «ژئوپلیتیک» عبارت است از مطالعه‌ی چگونگی تأثیرپذیری سیاست‌ها از عوامل جغرافیایی. (Cowie, 1989, p.515)

فرهنگ و بستر تعاریف متعددی را بیان می‌کند که یک نمونه آن عبارت است از: ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی، اقتصادی و جمعیتی بر سیاست‌ها، به ویژه سیاست خارجی کشور است. (Gove, 1986, p.950)

پیتر تیلور، جغرافی‌دان سیاسی انگلیسی و بنیان‌گذار فصل‌نامه‌ی معروف *جغرافیای سیاسی*، می‌نویسد: ژئوپلیتیک عبارت است از: مطالعه‌ی توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی. (Taylor, 1994, p.330)

سائل بی‌کوهن، جغرافی‌دان و دانشمند ژئوپلیتیک معاصر آمریکایی، این تعریف را ارائه می‌دهد: ژئوپلیتیک عبارت است از: مطالعه‌ی روابط فضای جغرافیایی با سیاست که تأثیر دو جانبه‌ی الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها بررسی می‌کند. (Cohen, 1994, p.17)

قلمرو ژئوپلیتیکی (Geopolitical Realm)

«قلمرو ژئوپلیتیکی» عبارت است از: فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوط به آن‌ها که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیکی و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. به عبارت دیگر، کشورها و سرزمین‌ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارد «قلمرو ژئوپلیتیکی» آن نامیده می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴)

مکمل ژئوپلیتیکی (Geopolitical Complementary)

وجود مؤلفه‌هایی که تکمیل‌کننده ژئوپلیتیک یک کشور است مثل مؤلفه‌های نژادی، قومی، مذهبی و یا وضعیت خاص جغرافیایی، که میان یک کشور با سایر کشورها که امتداد می‌یابد، مکمل‌های ژئوپلیتیک به همراه علایق ژئوپلیتیک است؛ مثل ژئوپلیتیک تشیع ایران که به نحوی به جوامع شیعی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه وابستگی دارد. (پاک‌نژاد متکی، ۱۳۸۶، ص ۱۸)

ژئوپلیتیک شیعه

«ژئوپلیتیک شیعه» به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است. (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۶) کمربندی از تشیع حیات اقتصادی، راهبردی و تاریخی اسلام را دربر می‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند، که در کشورهای گوناگون به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرهای گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد. (کرامر، ۱۳۸۴، ص ۳۶) درگیری‌های اخیر، همچون انقلاب اسلامی ایران و جنگ داخلی لبنان، مسئله شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی مطرح کرده است. (توال، ۱۳۸۲، ص ۹) جهان تشیع امروزه یک خط سیر مهمی را از لحاظ جغرافیایی شامل می‌شود که در واقع، از شرق کشور چین و هندوستان شروع شده و پس از رسیدن به ایران، از طریق عراق و خلیج فارس به سوریه و لبنان می‌رسد. عده‌ای از نویسندگان از این خط سیر و امتداد جغرافیایی تشیع به عنوان «کمربند شیعی» و عده‌ای دیگر از جمله پادشاه اردن، آن را «هلال شیعی» می‌نامند. در محدوده قلمرو سکونت شیعیان به سبب پیوستگی جغرافیایی، هر نوع حادثه‌ای به سرعت انتقال می‌یابد. قلمرو جغرافیایی شیعیان از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن دارای توانمندی زیادی

است. (عطایی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷) در دهه‌های اخیر، بروز تحولاتی نظیر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و موفقیت‌های «حزب‌الله» در لبنان، موجب شده است ایفای نقش شیعیان در کانون تحولات قرار بگیرد. عوامل مزبور به همراه استقرار شیعیان در بطن مناطق راهبردی همراه با توانمندی جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومیک) بالا، سبب ارتقای جایگاه تشیع و تبدیل آن به یک مؤلفه ژئوپلیتیک قدرتمند گردیده است. (Gause, 2010, p.118)

قلمروخواهی (Territoriality)

در سال ۱۹۷۱/دوآرد سوجا (Edward Soja) در مقاله تحقیقی خود، تحت عنوان «سازمان سیاسی فضا» از «قلمروخواهی» به عنوان یک مفهوم اساسی در جغرافیای سیاسی یاد کرده، آن را یک پدیده رفتاری می‌داند که با سازمان‌دهی فضا به صورت مناطق نفوذ و یا محدوده‌های مشخص سرزمینی در ارتباط است. امروزه با گسترش اشکال حاکمیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن، ممکن است برخی سرزمین‌ها با آنکه دولت جداگانه‌ای دارند، اما زیر نفوذ قدرت یا قدرت‌های بزرگ یاد شده محسوب شوند. (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱)

رابرت ساک، جغرافی‌دان انسان‌گرا، در سال ۱۹۸۶ تعریفی از این واژه ارائه داد که در تغییر دیدگاه جغرافی‌دانان دهه ۱۹۹۰ مؤثر افتاد. به عقیده او، «قلمروخواهی» عبارت است از: کوشش یک فرد یا یک گروه برای تأثیرگذاری، نفوذ یا کنترل مردم، پدیده‌ها و روابط از طریق تحدید حدود و نظارت بر یک منطقه جغرافیایی. (مویر، ۱۳۷۹، ص ۲۱)

شیعه، ایران و ژئوپلیتیک شیعه

«شیعه» در لغت، به معنای انصار و اتباع است، ولی در اصطلاح، به دوست‌داران حضرت علی علیه السلام و اهل بیتش علیهم السلام اطلاق می‌شود. (فیاض، ۱۳۸۲، ص ۱۷) بنابراین، کلمه «شیعه» با توجه به سیر تاریخی آن، هم باید به معنای لغوی‌اش، یعنی پیروان، یاران، هواداران، حزب و گروه، و هم در مفهوم وسیع‌تر آن، «حامیان»، در نظر گرفته شود. همچنین باید به مفهوم اصطلاحی آن، یعنی پیروان حضرت علی علیه السلام که معتقد به امامت و خلافت بلافصل او پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند، توجه شود. (جعفری، ۱۳۵۹، ص ۲) در معنای کلان، «شیعه» به تمام کسانی گفته می‌شود که به امامت حضرت علی علیه السلام به نص جلی یا خفی معتقدند و امامت را در خاندان ایشان جاری می‌دانند. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳، ص ۱۶)

امروزه شیعه به یک موضوع ژئوپلیتیک تبدیل شده است؛ زیرا نقطه ثقل جغرافیای شیعیان مناطقی است که بر روابط قدرت در سطح منطقه و جهان تأثیرگذار است. در حال حاضر، جمعیت مسلمانان جهان به بیش از یک میلیارد نفر رسیده است و بر اساس آماري که از منابع گوناگون ارائه گردیده، شیعیان دست کم حدود بیست درصد این جمعیت را تشکیل می‌دهند و مذهب تشیع در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها تأثیرگذار است. (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶)

فرانسوا توآل در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی، از دو مفهوم ژئوپلیتیکی استفاده نموده است: «ژئوپلیتیک داخلی» که گستره و شدت تأثیرگذاری هر جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور است. «ژئوپلیتیک خارجی» که قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. (تلاشان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹)

مارتین کرامر درباره اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه می‌نویسد: در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی امروزه راهبردهای سیاسی فوق‌العاده اصیلی را ابداع کرده‌اند که موجب شگفتی جهان اسلام و غرب شده است. (فاضلی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰)

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ سرانجام، پس از قرن‌ها، برای نخستین بار قدرت شیعه در قالب مرجعیت موسوم به «ولایت فقیه» در صدر حکومت قرار گرفت. در دست گرفتن قدرت به وسیله شیعه در کشوری بزرگ و با اکثریت شیعه، هرگز در گذشته اتفاق نیفتاده بود. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام در ایران یکی از پراهمیت‌ترین وقایع انقلاب‌های نیمه دوم قرن بیستم بوده است و در حقیقت، مهم‌ترین واقعه در طول تاریخ شیعه به شمار می‌آید. (توال، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

یکی از بارزترین تمایزهای ژئوپلیتیک ایران مذهب شیعه است؛ زیرا ایران هسته اصلی جهان تشیع به شمار می‌آید، به‌ویژه اینکه منافع ایران در سال‌های اخیر، با ژئوپلیتیک نوین تشیع گره خورده است. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۴۰) ایران با داشتن موقعیتی مرکزی و محوری، جایگاه ویژه‌ای در میان شیعیان داشته است و پایگاه مهمی برای جهان تشیع به شمار می‌رود. از سوی دیگر، وجود یک موقعیت جغرافیایی استثنایی، که عنوان «هارتلند جدید جهان» را شایسته نام ایران می‌سازد، در کنار ذخایر فراوان نفت و گاز و سایر منابع انرژی و معدنی همراه با نیروی انسانی ماهر و

فرهیخته، ایران را به قدرتی منطقه‌ای تبدیل کرده است که هرگز نمی‌توان نقش آن را در معادلات جهانی نادیده گرفت. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۸۰) جمهوری اسلامی ایران با توجه به جمعیت انسانی، نظام سیاسی اسلامی و دارا بودن اکثریت جمعیت شیعه مذهب به عنوان هارتلند تشیع در جهان تلقی می‌گردد و سایر مراکز شیعی واقع در دیگر کشورها، در امتداد این مرکز قرار گرفته‌اند که از آن‌ها می‌توان به عنوان مکمل‌های ژئوپلیتیک تشیع با محوریت ایران یاد کرد و اقتدار آن‌ها تا حدی وابسته به میزان قدرتمندی ایران است. (عطایی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷)

در سال ۲۰۰۴ ملک عبدالله، پادشاه اردن، درباره ظهور یک هلال شیعی ایدئولوژیک از بیروت تا خلیج فارس هشدار داد که از آن زمان به بعد، بحث مقاصد ایران برای ایجاد یک هلال شیعی، یک موضوع مهم برای میزگردها و سخنرانی‌های برگزار شده در موضوعات منطقه‌ای بوده است. هشدار ملک عبدالله علیه این تهدید، دولت‌های محافظه‌کار عرب و مصر را به ورود در یک اتحاد با اسرائیل و ایالات متحده در طراحی به منظور کنترل ایران و اسلام‌گراها سوق داد؛ چراکه آن‌ها معتقدند: تحت شرایط جدید منطقه‌ای و از طریق ایجاد یک هلال شیعی، ایران قادر به گسترش قدرت منطقه‌ای و در نتیجه، برهم زدن توازن قوای سنتی خواهد بود. اگر این امر محقق شود ایران قادر به دیکته کردن شرایط و سیاست‌های خود به جامعه بین‌الملل و به‌ویژه به ایالات متحده در موضوعات حیاتی همچون امنیت جهانی انرژی، قیمت نفت و حتی در رابطه با سیاست محکم هسته‌ای خود خواهد بود. از سوی دیگر، ایجاد این هلال شیعی ایدئولوژیک در منطقه‌ای شامل سوریه و لبنان و عراق، امنیت رژیم اسرائیل را به خطر خواهد انداخت. (Andersen, 2007)

اهمیت ژئوپلیتیکی حوزه مدیترانه در قلمرو خواهی ایران

حوزه مدیترانه از گذشته تاکنون از اهمیت فوق‌العاده استراتژیک برخوردار بوده است. امروزه حوزه مدیترانه برای کشورهای بزرگی همچون آمریکا، فرانسه و به درجات پایین‌تری برای اسپانیا، دارای اهمیت ویژه ژئوپلیتیک است. در قرن ۱۹ مدیترانه از ویژگی‌های خاص برای مبادلات بین‌المللی امپراتوری انگلیس برخوردار بود. در عصر حاضر نیز منافع قدرت‌های بزرگ مدیترانه را به دریایی بین‌المللی مبدل کرده است. بنابراین، کشورهای سواحل دریای مدیترانه نیز از اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک فراوانی برخوردارند. (امیر شاهی، ۱۳۷۳، ص ۱۶)

حوزه مدیترانه محل تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و مسیری مهم برای بازرگانان و مسافران جهان است و وجود تنگه استراتژیک جبل الطارق و کانال سوئز و اهمیت ترابری و کشتی رانی در این حوزه، جایگاه برجسته‌ای به آن بخشیده است.

سواحل دریای مدیترانه نظامی‌ترین منطقه دنیاست. دریای مدیترانه جلوه‌گاه رقابت شرق و غرب، اختلاف اعراب و اسرائیل و تقابل ممالک صنعتی در حال رشد در دو سوی دریاست. (مجیدی سورکی، ۱۳۷۵، ص ۱۳)

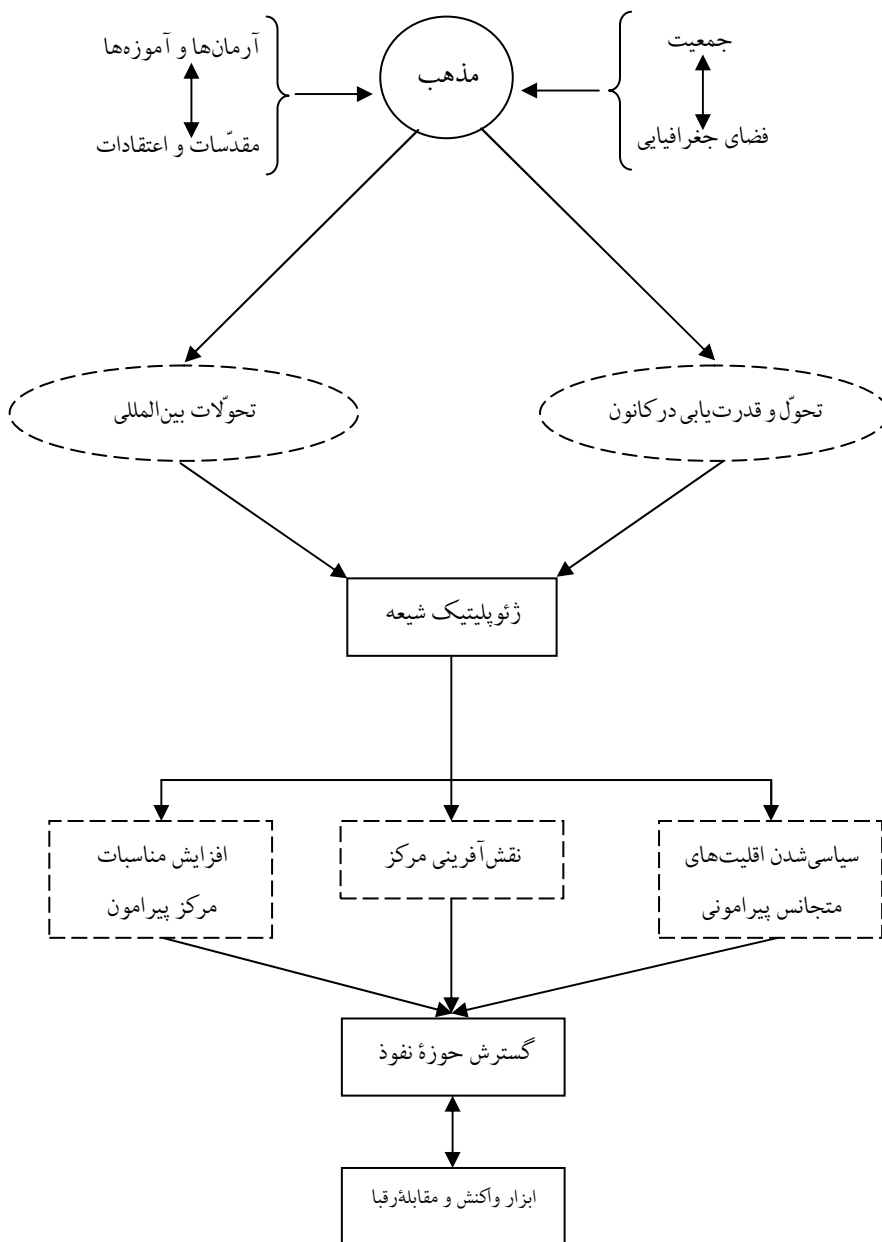
ضلع شرقی مدیترانه از حیث موقعیت ژئوپلیتیک و برخورداری از جمعیت شیعه مذهب قابل توجه در ترکیب مذهبی این حوزه و موقعیت این گروه جمعیتی در همجواری با رژیم صهیونیستی از موضع تأثیرات نرم و گسترش نفوذ از موقعیتی راهبردی برخوردار است.

یافته‌های تحقیق

مذهب و قلمروخواهی ایران

ایران کشوری با ارزش‌های خاص و ویژه است؛ ارزش‌هایی که ریشه در فرهنگ اصیل اسلامی و هنجارهای بومی انسان دارد و این ارزش‌های بومی - مذهبی در حوزه جغرافیایی و تمدنی ویژه شکل گرفته و مهم‌ترین عامل تأثیر و نفوذ منطقه‌ای ایران است. ایران به لحاظ سنتی، دارای قدرت نرم است؛ قدرتی که به این کشور اجازه می‌دهد تا بدون توسل به زور و حرب‌های نظامی و صرفاً با تکیه بر سیاست‌ورزی و نفوذ فرهنگی و مردمی، در میان کشورهای منطقه، منافع راهبردی خود را حفظ کند. (نصرتی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۵) اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از اهداف جمهوری اسلامی بدون توجه به هدف نهایی «حرکت به سوی الله» ﴿و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین﴾ (قصص: ۵) قابل درک نیست؛ چراکه این هدف در جهت حرکت کلی نظام، دارای ماهیت ویژه مذهبی و سیاسی است و چنین خصوصیتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را از سایر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی تا حد زیادی متمایز می‌سازد. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۷) از آن‌رو که جمهوری اسلامی در حال حاضر، به عنوان أم‌القرای جهان اسلام به شمار می‌رود، این موضوع ضرورت گسترش قلمرو و منطقه نفوذ جمهوری اسلامی به عنوان حکومت اسلامی را توجیه می‌کند. (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۵۲)

نمودار «۱»: نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ ایران (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۳)



قلمروهای ایدئولوژیک و حوزه‌های تحت نفوذ ایران در شرق مدیترانه

انقلاب اسلامی در فرایندی دو مرحله‌ای، دوران تأثیرگذاری بر پیرامون خود را طی می‌کند. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی در بحث قلمروسازی خود، دارای دو موج توأند و تکامل است. مرحله اول یا موج اول با شروع نهضت در ایران و پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) آغاز شد و به ثمر نشست. ویژگی این موج بیداری اسلامی و الهام‌بخشی فرامرزی است، اما ویژگی بنیادین و متمایزکننده موج دوم تبدیل شدن انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی به منبع پشتیبانی و مرکز فرمان‌دهی و کنترل نهضت جهانی بیداری اسلامی و اصول‌گرایی اسلامی است. (همان، ص ۱۱۱ و ۱۱۲) در اینجا، به بررسی تأثیرات ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در کشورهای لبنان و سوریه به عنوان قلمروهای شیعه‌نشین تحت نفوذ ایران در شرق مدیترانه، که قلمروسازی جمهوری اسلامی در آنها موفق بوده است، می‌پردازیم:

لبنان

لبنان در ضلع شرقی مدیترانه، کشور پیچیده‌ای است که اقوام و طوایف و گرایش‌های دینی گوناگونی را در خود جای داده است و با وجود آنکه در زمره واحدهای مستقل سیاسی جهان عرب به شمار می‌آید، موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور آن را در کانون توجه کشورهای خاورمیانه و کشورهای غرب قرار داده است؛ چنان‌که ایجاد تشنج در آن، به ویژه در مرز مشترک هفتاد مایلی آن با سرزمین اشغالی، موجب می‌گردد موجودیت کشور اشغالگر همواره به کشورهای منطقه یادآوری گردد. (پورقلی تکریمی، ۱۳۸۷، ص ۷) از کل جمعیت لبنان ۶۰ درصد آن مسلمان است. در میان مسلمانان، شیعیان با داشتن ۳۵ درصد جمعیت (تخمین ۱۹۹۰)، بزرگ‌ترین گروه مذهبی اسلامی لبنان هستند و اکثریت مطلق را در نظام مذهبی این کشور به وجود آورده‌اند. (درایسدل و اچ بلیک، ۱۳۷۴، ص ۲۶۶) با ظهور امام موسی علیه السلام صدر در متن جامعه شیعیان، جنبش سیاسی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نوسازی نیروهای شیعی و بسیج سیاسی آنها را در پی داشت و آگاهی سیاسی شیعیان، طبقه متوسط سیاسی خاصی را شکل داد که منتقد اصلی شرایط موجود بود و از الگوهای گوناگونی همچون فعالیت گروه‌های آزادی‌بخش فلسطینی و برخی گروه‌های چپ برای احقاق حقوق خود سود می‌برد. ورود امام موسی علیه السلام به لبنان خلأ

رهبری پر قدرت شیعیان را پر کرد. امام موسی صدر با آغاز اقدامات خود از ابتدای دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۷۰ میلادی، موجب تغییرات بنیادی در زندگی این طایفه گردید. امام موسی صدر نخستین نیروهای شبه نظامی شیعه را با همکاری دکتر مصطفی چمران از نیروهای موسوم به «نهضت آزادی و مخالف حکومت شاه ایران» که در مصر آموزش چریکی دیده بود، با همراهی دیگر جوانان شیعه سازمان‌دهی و صحنه سیاسی لبنان را از حضور این جنبش متأثر کرد. (حقوق‌شناس کمیاب، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲)

لبنان از جمله مهم‌ترین حوزه‌هایی است که قلمروسازی ایران در آن به خوبی عمل کرده و توانسته است قلمروخواهی غرب را در این نقطه متوقف نماید. نوع قلمروسازی جمهوری اسلامی ایران در این کشور چون از نوع ایدئولوژیکی است، توانسته در اذهان و افکار و باورهای مردم نفوذ کند و از سوی مردم پذیرفته شود. (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳) در لبنان، که به لحاظ سیاسی، یکی از کشورهای مهم منطقه محسوب می‌شود، ایران تأثیرگذاری زیادی داشته است. ایران در تلاش برای صدور انقلاب اسلامی و گسترش حوزه نفوذ خود، آرایش نیروها را در این کشور از سال ۱۹۸۲ به این سو تغییر داده است. به عبارتی دیگر، ایران توانسته است به الگوسازی و عینی‌سازی نمود خود در جامعه لبنان دست زند. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹) در حال حاضر، هر جا سخنی از انقلاب اسلامی در فراسوی مرزها و در جهان اسلام به میان می‌آید، اذهان متوجه لبنان و در کانون آن «حزب‌الله» می‌شود. سیاسی - تشکیلاتی شدن شیعیان لبنان در قالب جنبش «حزب‌الله» و نقش‌آفرینی چشمگیر آن در صحنه داخلی لبنان، در کل منطقه، به‌ویژه در ارتباط با معادله قدرت اسرائیل، به طور قطع بازتاب انقلاب اسلامی تلقی می‌شود. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱)

رابین رایت، خبرنگار آمریکایی و نویسنده کتاب *شیعیان، مبارزان راه خدا*، در زمینه تأثیر و نفوذ انقلاب اسلامی در لبنان می‌نویسد: بیروت غربی چهره و ماهیتی جدید پیدا کرد. در طول خیابان «الحمراء»، که به «شانزلیزه شرق» معروف است، همه جا تصویر آیه‌الله خمینی آویخته شده و یا به در و دیوار و بوتیک‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و بانک‌ها نصب گردیده است. همه جا این جمله به چشم می‌خورد: «همه ما خمینی هستیم». به زودی، این تصاویر به گردن‌ها آویخته شد و به عنوان علامت عشق و ایمان و آشنایی، زینت‌بخش سینه رزمندگان شیعی گردید. (رایت، ۱۳۷۲، ص ۷۷)

روند تحولات لبنان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به گونه‌ای رقم خورد که از لبنان به عنوان نگین سیاست خارجی ایران یاد می‌شود. در لبنان، به سبب وجود تعداد زیاد شیعیان، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی بسیار بوده و در میان گروه‌های اسلامی، می‌توان از «جنبش امل» به رهبری امام موسی صدر و در حال حاضر، نبیه بری؛ «جنبش امل اسلامی» به رهبری سید حسین موسوی؛ و مهم‌تر از همه، «جنبش مقاومت حزب‌الله» به رهبری سید حسن نصرالله نام برد. (پیشگامی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳ و ۱۱۴) «حزب‌الله» یک سپر دفاعی خارج از مرزهای ملی برای ج.ا.ا به شمار می‌رود. حضور حزب‌الله و دیگر گروه‌های شیعی توان ایران را در پیشبرد اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌دهد و به تقویت هم‌پیمانان منطقه‌ای همچون سوریه می‌انجامد. به‌ویژه، با تثبیت «حزب‌الله» در عرصه سیاسی لبنان با حفظ ابزار مقاومت، عرصه بازیگری و تأثیرگذاری ایران افزایش پیدا کرده و از این منظر، موجب ارتقای امنیت پیرامونی ایران شده است. (حسینیان، ۱۳۶۹، ص ۱۷۴) لبنان نه تنها عرصه حضور انقلاب اسلامی در کل جهان عرب است، بلکه مهم‌ترین عامل برای اثرگذاری بر مسئله فلسطین نیز هست. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۵۲۱) گسترش حوزه نفوذ ایران در لبنان، نقش ایران را در عرصه بازیگری و تأثیرگذاری در تحولات منطقه افزایش داده و موجب شده است تا تحلیلگران از آن به عنوان ارتقای اقتدار ایران یاد کنند. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶)

سوریه

قریب ۱۳ درصد مردم سوریه علوی، شیعه دوازده امامی و اسماعیلی هستند. شیعیان جعفری در منطقه‌ای بین «حمص» و «حلب» متمرکز شده‌اند و ۱۵ درصد ساکن استان «حماة» هستند. اسماعیلی‌ها نیز در منطقه «السلیمیه» در استان حماة سکنا گزیده‌اند. البته بیش از ده‌هزار اسماعیلی نیز در استان «لاذقیه» زندگی می‌کنند. سایر شیعیان سوریه نیز در شهر حلب ساکنند. (سعیدی، ۱۳۷۵، ص ۴)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و درست در زمانی که دیگر کشورهای اسلامی سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفته بودند و از ترس تأثیر انقلاب اسلامی ایران به سرزمین‌هایشان به تکاپو افتاده بودند، سوریه از جمله معدود کشورهای اسلامی بود که نه تنها جمهوری اسلامی

ایران را به رسمیت شناخت، بلکه از جمهوری اسلامی نیز حمایت کرد. در همان ابتدا و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه، طی پیامی به مقامات ایران، این پیروزی را تبریک گفت و این انقلاب را به عنوان ضربه مهلکی بر امپریالیسم قلمداد کرد. از این رو، از همان ابتدای سال پیروزی انقلاب، روابط سیاسی دوستانه‌ای بین ایران و سوریه آغاز گشت. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹)

سوریه از ابتدای جنگ تحمیلی، در جبهه موافق ایران و مخالف صدام حسین قرار گرفت، به گونه‌ای که در همان آغاز جنگ، از به وجود آمدن یک جبهه متحد عربی علیه ایران جلوگیری کرد و با نظر بغداد در خصوص جنگ عرب و عجم مخالفت و قادیسیه صدام را مسخره می‌کرد. حمایت‌های سوریه برای ایران ارزشمند بود؛ زیرا بسیاری بر آن بودند که به جنگ ایران و عراق، که بین یک کشور غیر عرب با یک کشور عربی بود، نمود جنگ بین دو ملت و قومیت ببخشند، اما سوریه در این میان، یک پوشش عربی لازم و مهم به ایران می‌داد. جایگاه سوریه در رابطه با انقلاب اسلامی همچنان که از تحلیل بشّار اسد به عنوان قدرت اول سوریه برمی‌آید، یک جایگاه ویژه است و خود را به صورت راهبردی به جمهوری اسلامی ایران گره می‌زند. حاکمیت سوریه به محوریت خاندان اسد و پیوند آن با جریان‌های فلسطینی، اعم از جریان‌های طرفدار سازش و جریان‌های ضد سازش «مثل حماس» و «جهاد اسلامی»، و «جنبش مقاومت حزب‌الله» و «امل» در لبنان عملاً نمایانگر پیوند راهبردی با اصول جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، به ویژه در بحران فلسطین و لبنان است. این رابطه کلیدی در زمان بشّار اسد نیز نه تنها تداوم یافته، بلکه تقویت نیز شده است. در واقع، این کشور همچنان به عنوان سر پل ارتباط برای ایران در آن منطقه، به ویژه لبنان، نقش مهمی ایفا می‌کند. (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳) اهمیت راهبردی سوریه برای ایران، به گونه‌ای است که ایران، سوریه و مرزهای آن را به منزله خط مقدم مرزهای اسلام و ایران تلقی می‌کند، به گونه‌ای که در بحران سوریه و درگیری مخالفان و تروریست‌ها، بیشترین نقش‌آفرینی و حمایت از رژیم سوریه را نشان داد.

جنبش‌های اسلامی، ابزارهای اصلی قلمروسازی ایران در شرق مدیترانه

وقوع انقلاب اسلامی نه تنها موجب احساس عزت و قدرت شیعیان و تبدیل آنان به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی شد، بلکه با رویکرد اسلامی - سیاسی نقشی اساسی در

بیداری تمام جامعه اسلامی ایفا کرد. (اشرف نظری، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷) تأثیر الهام‌بخش انقلاب اسلامی، که به افزایش آگاهی و پویایی جوامع اسلامی انجامید، فعالیت جنبش‌های سیاسی را، چه در میان شیعیان و چه در میان اهل تسنن، گسترش داد. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹) بدین سان، انقلاب ایران نقطه عطفی در احیای هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی‌تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. (پارسانیا، ۱۳۷۶، ص ۳۷۷) چند نمونه از احزاب و تشکلهایی که انقلاب اسلامی در شکل‌گیری و یا تقویت آن‌ها در مناطق شرقی مدیترانه تأثیرگذار بوده و به عنوان ابزار قدرتمند قلمروسازی و نفوذ ایران عمل کرده‌اند عبارتند از:

جنبش امل (حرکت الأمل) لبنان

امام موسی صدر شیوه رهبری جدیدی در میان شیعیان ابداع کرد و آن را گسترش داد که می‌توان آن را «رهبری مردمی» نام نهاد. (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۳۲) در سال ۱۹۷۲ تشکیلات سیاسی به نام «حرکت المحرومین» را به وجود آورد. در سال ۱۹۷۵ شاخه نظامی این حرکت با نام «افواج المقاومة اللبنانية» (امل) تأسیس شد. بدین سان، برای نخستین بار در تاریخ لبنان، طایفه شیعه، که به رهبری امام موسی صدر به یک گروه اجتماعی - سیاسی تبدیل شده بود و نسبت به وضع موجود در لبنان اعتراض داشت، با لغو نظام سیاسی و سرنگونی حکومت لبنان یا تبدیل آن به کشوری که بر اصل تکثرگرایی دینی و مذهبی استوار نباشد، به شدت مخالفت می‌ورزید. (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۳۶) بعدها سران این جنبش با ظهور «حزب الله» به آن ملحق شدند و هسته اولیه و اصلی «حزب الله» را به وجود آوردند.

«حزب الله»

«حزب الله» یک سازمان سیاسی - نظامی و یک نیروی چریکی است که در اوایل دهه ۸۰ میلادی با ایدئولوژی اسلام سیاسی امام خمینی علیه السلام در لبنان ظهور کرد و با شعار «مبارزه با اسرائیل» توانست بین گروه‌های مختلف اعتقادی در لبنان وحدت ایجاد کند و با هدف مقاومت برای شکست اسرائیل و بازپس‌گیری زمین‌های اشغالی، جوانان را به خود جذب کند. به‌ویژه، با پیروزی

در سال ۲۰۰۰ بر رژیم صهیونیستی و موفقیت در عقب راندن نیروهای این رژیم از جنوب لبنان و نیز مقاومت ۳۳ روزه در برابر این رژیم در سال ۲۰۰۶، روز به روز بر محبوبیت آن در بین مردم لبنان و حتی کشورهای عربی افزوده شد. (نصرتی، ۱۳۹۱، ص ۶۷ و ۶۸) این جنبش با یاری و همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای مبارز خود را، که به انقلاب اسلامی علاقه‌مند بودند، آموزش داد و آن‌ها را در راه بسیج و سازمان‌دهی نظامی علیه رژیم صهیونیستی به کار گرفت و تاکنون چندین عملیات ضداسرائیلی در جنوب لبنان انجام داده است. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۱)

«حزب الله» بر نقش روحانیان دینی در طرح سیاسی خود تأکید دارد. همچنین انقلاب اسلامی ایران را به عنوان الگویی برای خود برگزیده و مبانی و ارزش‌های آن و نظریه «ولایت فقیه» را که امام خمینی علیه السلام آن را اجرا کرده بود، پذیرفته است. «ولایت فقیه» در اندیشه و مرام «حزب الله»، یعنی همان جانشین خدا و حاکمیت «خلیفه الله» بر روی زمین. دستور و امر ولی فقیه برای «حزب الله» به مثابه حکم الهی است. (بزی، ۱۳۸۷، ص ۱۵)

«حزب الله» یک حزب صرفاً ملی و معمولی در یکی از کشورهای کوچک خاورمیانه نیست. این حزب گرچه خود را در چارچوب‌های ملی تعریف کرده و در چنین فرایندی به شدت فعال شده، اما در عین حال، از ویژگی‌های فراملی بسیاری برخوردار بوده و کارکرد منطقه‌ای قابل توجهی پیدا کرده است. این ویژگی در اصل، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های انقلاب اسلامی ایران است که «حزب الله» با بهره‌گیری از همگونی مذهب خود با انقلاب، شالوده فکری و رفتار خود را بر اساس آن پی‌ریزی و بیشتر ویژگی‌های انقلاب اسلامی را در خود بومی‌سازی کرده و الگوی عربی قابل توجهی برای منطقه ارائه داده است. از این‌رو، می‌توان گفت: «حزب الله» پیامبر امین انقلاب اسلامی ایران در جهان عرب و عامل به اصول آن بوده است. سی و سه روز مقاومت «حزب الله» در مقابل ششمین ارتش بزرگ جهان و کمک‌های بزرگ‌ترین زرادخانه‌های تسلیحاتی و تبلیغاتی آمریکا و چند کشور اروپایی همچون انگلیس و فرانسه و تأیید فریب‌کارانه چند کشور عربی، توانست موازنه قدرت را در منطقه، به نفع اسلام و «حزب الله» و دولت لبنان در خاورمیانه رقم بزند. (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۳)

جنبش جهاد اسلامی فلسطین

جنبش جهاد اسلامی فلسطین حرکتی اسلامی و مبارز است که ساختار سازمان یافته آن در اوایل دهه ۸۰ میلادی در فلسطین اشغالی شکل گرفت. پیش از آن، اندیشه فکری و سیاسی جنبش در اواسط دهه ۷۰ در میان دانشجویان فلسطینی مقیم مصر مطرح شده بود و بحث‌هایی درباره مسائل روش‌شناسی در ارتباط با درک اسلام و واقعیت‌های جهان و نحوه نگرش به تاریخ و فهم آن و به ویژه تاریخ اسلام مطالعه شده بود. جنبش جهاد نسبت به موضع قاطع و استوار امام خمینی علیه السلام درباره فلسطین، توجه خاصی داشت و افکار ایشان را در این زمینه با دقت پی‌گیری می‌نمود و عقیده داشت: این مواضع «بینش عملیاتی و راهبردی مؤثر و مهمی ایجاد می‌کند» اعضای جنبش، عقیده داشتند که جنبش‌های اسلامی باید از مواضع امام راحل، در همه زمینه‌های نظری و عملی، درس بگیرند. به گفته دکتر شتاقی، «امام خمینی ماهیت و نقش استعمار و تهدیدهای جهان غرب در برابر اسلام و تهاجم فرهنگی آنان را دریافته بود و به خوبی می‌دانست که اسرائیل بازتاب این تهدید، بلکه بزرگ‌ترین مظهر تهدید غرب به شمار می‌رود.» (ابوطه، ۱۳۷۹، ص ۸۰)

جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)

اگرچه مسلمانان فلسطین شیعه نیستند، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، در سرزمین‌های اشغالی مقاومت مردم فلسطین، که به «انتفاضه» معروف شد، خودنمایی کرد و به نقش غیر قابل انکار جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در این زمینه قابل توجه است. تلاش‌ها برای شکل‌گیری این جنبش از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود، ولی با پیروزی انقلاب ایران، که تصویر جدیدی از اسلام سیاسی در منطقه ارائه کرد، حرکتی بزرگ و بیداری اسلامی به وجود آمد. در این زمینه، با الهام گرفتن رهبران جنبش از تجربیات ایران، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین به طور رسمی در سال ۱۹۸۰م (۱۳۵۸ش) تأسیس گردید. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹) با اینکه در انتخاب جانشین یاسر عرفات پس از مرگ وی در سال ۲۰۰۴ اعضای دیگر گروه فلسطینی (فتح)، نقشی برای حماس قایل نشدند، اما فعالیت‌های درخشان جنبش حماس موجب شد این جنبش در انتخابات آزاد پارلمانی فلسطین، که در سال ۲۰۰۶ برگزار شد، بیشترین آراء مردمی را به دست آورد. به دنبال آن، اسماعیل هنیه، از رهبران این جنبش، به نخست وزیر تشکیلات خودگردان انتخاب شد. در

اواخر سال ۲۰۰۸ و در پی پایان آتش بس شش ماهه بین حماس و رژیم صهیونیستی، ارتش این رژیم برای به زانو درآوردن مقاومت، اقدام به حمله همه‌جانبه به غزه کرد. به گفته مسئولان حماس، بر اثر این جنگ که ۲۲ روز به طول انجامید، ۳۳۰ نفر در باریکه غزه کشته و ۵،۵۰۰ نفر زخمی شدند. با این حال، رزمندگان فلسطینی با انگیزه قوی، موفق شدند از مواضع خود دفاع کنند و مانع ورود ارتش اسرائیل به غزه شوند. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶) بدین روی، می‌توان گفت: انقلاب اسلامی موجب گسترش مفاهیم و اصول مذهب شیعه، از جمله «جهاد، شهادت و فداکاری در راه هدف» - که عمدتاً نمادهای شیعیان و شعارهای انقلاب ایران است - در بین طرف‌داران جنبش‌های اسلامی فلسطین شده که آثار آن به خوبی در درگیری‌های فلسطینیان و اسرائیل، همچون جنگ ۲۲ روزه نمایان است. (امرابی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۰)

مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی شرق مدیترانه

وحدت کلمه

از آن رو که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب شیعی است، همانند هر جنبش اسلامی دیگر، بر پایه وحدانیت خدا (لا اله الا الله) و رسالت پیامبر اکرم ﷺ (اشهد ان محمداً رسول الله) بنا شده است. کعبه را قبله آمال و آرزوهای معنوی خود می‌داند. قرآن را کلام خدا و آن را منجی بشریت تلقی می‌کند. به صلح، برادری و برابری ایمان دارد. (جندی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۷-۲۶۰) امام خمینی علیه السلام فرمود: در کلمه توحید، که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی، که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنید. (نصرتی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵)

دشمن مشترک

انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک، که همان اسرائیل است، کیان اسلام را تهدید می‌کند. (جندی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸) هر زمان که اسرائیل فرصتی یافته، از هیچ تلاشی برای گسترش اشغالگری خود فروگذار نکرده است. هرگاه از جبهه‌ای فارغ شده، دیر یا زود توسعه‌طلبانه جبهه‌ای دیگر گشوده است. طرح چند باره آرزوی «از نیل تا فرات» و نقض مکرر قراردادهای - به اصطلاح - صلح، مؤید این ادعاست.

آرمان مشترک

انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز درآوردن پرچم «لا اله الا الله» در سراسر جهان از طریق نفی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردمند.

استقلال و نفی وابستگی

نظام جمهوری اسلامی تنها نظام سیاسی در جهان معاصر است که در دوران رقابت دو ابر قدرت شرق و غرب، بدون وابستگی به یک قطب، توانست بر قطب دیگر و دست‌نشانده‌های آن فائق آید، اگرچه خود دشمنی‌های هر دو قطب جهان و کشورهای اقماری آن‌ها را علیه خود تحمل کرده است. (حاجی نجاری، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

مردم‌گرایی

«مردم‌گرایی» انقلاب اسلامی عامل گسترش و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. امام راحل بر این باور بود که باید به ملت‌ها بها داد، نه به دولت‌ها. بدین‌رو، نظام جمهوری اسلامی بر اساس الگوی «مردم‌سالاری دینی» با استناد به مبانی دینی و ارزش‌های الهی، نقش واقعی مردم را در اداره حکومت و انتخاب دولتمردان تبلور بخشید. (نصرتی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶)

مقاومت در جنگ ۸ ساله

احساس خطر قدرت‌ها و کشورهای منطقه از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری دولت جمهوری اسلامی سبب شد که آنان یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین جنگ‌های تاریخ معاصر را بر ایران تحمیل کنند. جنگی که طی آن، قریب ۴۳ کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم پشت سر رژیم بعثی حاکم بر عراق صف کشیدند و با کمک‌های نقدی و ارسال تجهیزات و نیروی انسانی و اطلاعاتی او را در جنگ علیه ایران تحریک و یاری کنند. اما مقاومت ایران در این جنگ و ناکامی دشمن، مقاومت اسلامی را به الگویی عملی برای رهایی از سلطه نظام‌های جور تبدیل کرد و اثبات نمود که انسان‌های مؤمن با اتکا به قدرت الهی قادر خواهند بود بر دشمنان خود پیروز شوند و این، همان فرهنگ و ارزش اصلی انقلاب اسلامی بود. (حاجی نجاری، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

نتیجه‌گیری

مدیترانه شرقی، که در واقع نقطه آغازین حرکت محور مقاومت و پیشانی کمر بند شیعی محسوب می‌گردد، جلوه‌گاه تقابل اسلام و اسرائیل است و نیز به سبب اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، می‌تواند بخشی از فضای قلمرو استراتژیک ایران باشد. با توجه به اهداف سیاست خارجی و اهداف منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، افزایش نفوذ منطقه‌ای بر پایه عوامل پیوند دهنده ژئوپلیتیک در جهت ایجاد حلقه‌های امنیتی در مناطق پیرامونی ضروری است. از این رو، منطبق با اصول و مبانی فلسفی انقلاب اسلامی، تلاش در جهت ایجاد حوزه‌های نفوذ از اولویت‌های راهبردی منطقه‌ای ایران بوده که در این زمینه، بهره‌گیری از مؤلفه‌ی مذهب کارآمدترین شیوه است. ایران در کانون و مرکز ثقل جغرافیای شیعیان است. از این رو، می‌تواند و باید این قلمرو را رهبری نماید که در این صورت، موفق به برهم زدن موازنه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خاورمیانه می‌شود، به گونه‌ای که علاوه بر محوریت جهان تشیع، موقعیت محوری در جهان اسلام نیز خواهد یافت. ایران با بهره‌گیری از مؤلفه‌های تأثیرگذاری همچون وحدت کلمه، دشمن مشترک، آرمان مشترک، استقلال و نفی وابستگی، مردم‌گرایی و مقاومت در جنگ ۸ ساله، تبدیل به الگو شده و زمینه هم‌گرایی بیشتر با ملت‌های مسلمان شرق مدیترانه را فراهم ساخته است که این منجر به ایجاد یک قلمرو فضایی با مرکزیت ایران خواهد شد. در این زمینه، جنبش‌های اسلامی این حوزه می‌توانند به عنوان ابزار راهبردی قلمرو ساز و شاخک‌های عملیاتی مؤثر برای ایران ایفای نقش نمایند. شرق مدیترانه نقطه تحقق اهداف راهبردی ایران است. بنابراین، برای نیل به اهداف مورد نظر، مهم‌ترین شیوه عملی و مؤثر، تعریف حوزه نفوذ و قلمرو مطمئن در این حوزه با اهداف بلندمدت است. در این زمینه، مهم‌ترین الزامات فضایی ایران به منظور تدوین الگوی امنیتی مبتنی بر عوامل راهبردی، عمق بخشیدن به عوامل، فضاها و نقاط راهبردی در حوزه‌های پیرامونی است. به طور کلی، قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه باید مبنای ایدئولوژیک داشته باشد تا تحریکات و ایفای نقش ایران در این حوزه، جایگاه ایران را به عنوان محور ژئوپلیتیک شیعه ارتقا داده، به رفع تهدیدهای منطقه‌ای منجر گردد که این امر به افزایش قدرت منطقه‌ای آن می‌انجامد.

فهرست منابع

۱. ابو طه، انور، «تأثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی در اندیشه و عملکرد جنبش جهاد اسلامی فلسطین»، مجله حضور، ش ۳۳، ۱۳۷۹.
۲. احمدی، عباس، *ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰.
۳. اسداللهی، مسعود، *از مقاومت تا پیروزی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۷۹.
۴. امرایی، حمزه، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۵. امیرشاهی، ذوالفقار، تونس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۶. بزّی، محمدحسین، *زبور مقاومت (حزب‌الله در کلام سید حسن نصرالله)*، ترجمه مصطفی الّهیاری، مشهد، ثنا، ۱۳۸۷.
۷. پارسانیا، حمید، *حدیث پیمانه؛ پژوهشی در انقلاب اسلامی*، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۶.
۸. پاک‌نژاد متکی، حمیدرضا، «بررسی مکمل‌های ژئوپلیتیک تشیع جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۳۸۶.
۹. پورقلی تکریمی، ولی، «پژوهشی پیرامون مسائل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک حزب‌الله لبنان در تحولات خاورمیانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۳۸۷.
۱۰. پیشگاهی فرد، زهرا و رحمانی، محمدعلی، *قلمروخواهی ایران و آمریکا در خاورمیانه*، چ دوم، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۰.
۱۱. ترکمنی آذر، پروین، *تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران* (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۳.
۱۲. تلاشان، حسن، «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق»، *شیعه‌شناسی*، ش ۳۱، ۱۳۸۹.
۱۳. توال، فرانسوا، *ژئوپلیتیک شیعه*، ترجمه کتابیون باصر، تهران، ویستار، ۱۳۸۲.
۱۴. جعفری، سید حسن، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
۱۵. جندی، انور، *اسلام و جهان معاصر*، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۱۶. حاجی نجاری، عباس، «الهام‌بخشی انقلاب اسلامی: نگاهی به تأثیر انقلاب اسلامی در جهان معاصر»، ماهنامه تحلیلی *هدایت*، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۷.

۱۷. حافظ نیا، محمدرضا، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، چ سوم، تهران، پژوهشکده امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۱۸. حسینیان، میرمسعود، *لبنان؛ تاریخچه و احزاب سیاسی*، تهران، نیستان، ۱۳۶۹.
۱۹. حشمت‌زاده، محمدباقر، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۷.
۲۰. حق‌شناس کمیاب، سیدعلی، *ساختار اجتماعی لبنان و تأثیر آن بر پیدایش جنبش امل*، تهران، سها، ۱۳۸۴.
۲۱. خلیلی، اکبر، *سفر به سرزمین صدر و زیتون*، لبنان، رسالت قلم، ۱۳۸۷.
۲۲. درایسدل، آلاسدایر و بلیک جرالداچ، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میر حیدر، چ چهارم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۲۳. رایت، رابین، *شیعیان؛ مبارزان راه خدا*، ترجمه علی اندیشه، تهران، قومس، ۱۳۷۲.
۲۴. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، *ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶.
۲۵. سعیدی، ابراهیم، *سوریه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۲۶. عطایی، فرهاد، «میراث جورج بوش در خاورمیانه و چالش پیش روی باراک اوباما»، فصل‌نامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۴، ۱۳۸۷.
۲۷. فاضلی نیا، نفیسه، *ژئوپلیتیک شیعه*، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶.
۲۸. فیاض، عبدالله، *تاریخ شیعه امامیه*، ترجمه حمید خوشنویس، تهران، بهبهانی، ۱۳۸۲.
۲۹. کرامر، مارتین، *تشیع، مقاومت و انقلاب*، ترجمه مؤسسه پیشگام، تهران، پیشگام، ۱۳۸۴.
۳۰. مجیدی سورکی، علی، *الجزایر*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۳۱. محمدی، منوچهر، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، چ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۲. مولانا، حمید و محمدی، منوچهر، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد*، تهران، دادگستر، ۱۳۸۸.
۳۳. مویر، ریچارد، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
۳۴. نصرتی، شهریار، «نقش کشورهای مسلمان حوزه مدیترانه در گسترش علایق منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۳۹۱.
۳۵. نظری، علی‌اشرف، «غرب، هویت و اسلام سیاسی؛ تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام»، فصل‌نامه سیاست، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۱، ۱۳۸۷.

36. Andersen, Lars Erslev, *Postscript: After Lebanon. A new cold war in the Middle East*, in Andersen: Innocence lost. Islamism and the battle over values and world order (Odense, University press of southern Denmark), 2007.
37. Cohen, Sual. B, *Geopolitics in the new world Era*. Chapter 2 from Reordering the world, Ed by: Georg j. Demko and William B. wood, USA, west view press, 1994.
38. Cowie, A.P, *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, UK, Oxford University press, 1989.
39. Glassner, Martin Ira, *Political Geography*, NewYork, John Wiley and sons, Inc, 1993.
40. Gause III, F.Gregory, *The International relations of the Persian Gulf*, (Cambridge, Cambridge university press), 2010.
41. Gove, P.B, *Webster's Third new International Dictionary*, U.S.A Merriam – Webster Inc. Publishers, 1986.
42. Taylor, peter. J, *Political Geography*, England, Longman Scientific & Techical, 1994.